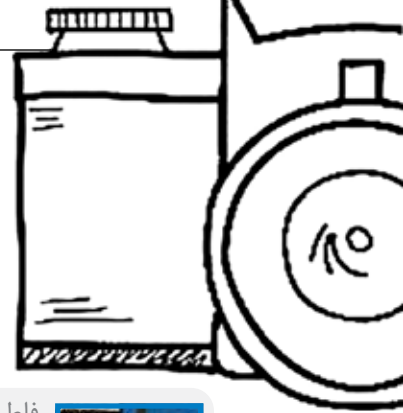




کی چی می‌بیند؟

فاطمه خیاط سرکار

مربی هنر دبستان دخترانه دوره دوم ناحیه دو



این گفت‌وگوها نه تنها مهارت گفتاری و اعتماد به نفس بچه‌ها را تقویت می‌کند، بلکه به دانش‌آموزان یاد می‌دهد که هیچ دیدگاهی اشتباه نیست و هر ذهنی می‌تواند زاویه نگاه خاص خودش را داشته باشد. از نکات قابل توجه این فعالیت، مشارکت فعال همه دانش‌آموزان، تنوع بی‌نظیر در برداشته‌ها و اشتیاق آن‌ها برای شنیدن دیدگاه هم‌کلاسی‌هایشان بود. این تجربه نشان داد که چگونه می‌توان از بسترهایی مانند بازی با تصویر و خواندن خلاق به درک عمیق‌تری از هنر، تفکر و ارتباط رسید. دانش‌آموزان در محیطی همراه با احترام به تفاوت‌ها، نه تنها یاد می‌گیرند، بلکه یادگیری را زندگی می‌کنند. در این گونه فعالیت‌ها، نقش معلم فقط انتقال دهنده دانش نیست؛ بلکه تسهیلگر فرایند یادگیری، ایجادکننده فضا برای بروز خلاقیت و مشوق تجربه‌های نو است. معلم با طراحی فعالیتی جذاب و هدفمند، بستری امن و آزاد را فراهم می‌کند تا دانش‌آموز بتواند بدون ترس از قضاوت، ذهن و دلش را به کار گیرد. لذت یادگیری زمانی متولد می‌شود که کودک احساس کند آزاد است، دیده می‌شود و آنچه می‌سازد، مهم و ارزشمند است.

در جریان این فعالیت، من به عنوان مربی، سعی کردم به جای ارائه مسیر از پیش تعیین شده، تنها پرسش‌هایی الهام‌بخش مطرح کنم تا دانش‌آموزان خودشان مسیرشان را بیابند. با سؤالاتی مثل «به نظرت این شکل شبیه چیه؟»، «چه چیزی دیدی؟» یا «دوست داری داستانش رو برامون تعریف کنی؟» دانش‌آموزان را به تفکر و تخیل دعوت کردم. این کار باعث شد بچه‌ها احساس کنند دیده می‌شوند، ارزشمند هستند و مهم‌تر از همه، می‌توانند خلاقانه فکر کنند. معلم در چنین فرایندی فقط آموزش دهنده نیست، بلکه او الهام‌بخش و فراهم‌کننده فرصت برای شکوفایی ذهن‌های کوچک و خلاق هم هست. در پایان فعالیت، فضای کلاس پراز خنده، گفت‌وگو، کشف و شگفتی بود. طراحی چنین فعالیت‌هایی نه تنها در خدمت تبلور هنر است، بلکه لذت یادگیری را برای کودکان به خاطرهای یادماندنی تبدیل می‌کند.



فاطمه خیاط سرکار فارغ‌التحصیل کارشناسی نقاشی و کارشناسی ارشد کارگردانی تئاتر از دانشگاه هنر تهران است. وی مهرماه ۱۴۰۳ در دبستان دخترانه دوره دوم حضرت جواد الائمه (ع) در سمت مربی هنر فعالیت خود را آغاز کرده است.



در فرایند آموزش، زمانی که یادگیری با لذت، خلاقیت و آزادی همراه می‌شود، عمیق‌ترین شکل درک و تجربه مفاهیم رقم می‌خورد. در این صورت، کلاس‌های درس دیگر فقط مکانی برای انتقال دانش نیستند؛ بلکه فرصتی هستند برای کشف، خلق و درک تجربه‌های فردی و گروهی. یکی از مسیرهای رسیدن به این سبک یادگیری استفاده از بازی، تصویر و خواندن خلاق است. در همین راستا، فعالیتی با عنوان «کی چی می‌بیند؟» در کلاس هنر دوره ابتدایی طراحی و اجرا کردم؛ فعالیتی ساده اما تأثیرگذار که به خوبی توانست پیوند میان آموزش، بازی، تخیل و لذت را برقرار کند.

اجرای این فعالیت با گفت‌وگویی صمیمی در کلاس آغاز شد. ابتدا درباره تجربه دیدن شکل‌های خیالی در پدیده‌هایی مانند ابرها یا نقش مایه‌های اطراف صحبت کردیم. از دانش‌آموزان خواستم به تجربه‌های شخصی‌شان فکر کنند؛ آیا تا به حال در طرح‌های موزاییک، نقش‌های روی دیوارها یا بافت‌های اطرافشان شکل خاصی دیده‌اند؟ برخی از دانش‌آموزان تجربه‌های جالبی را با هم‌کلاسی‌هایشان به اشتراک گذاشتند و برخی در همان فضای کلاس شکل‌هایی را پیدا کردند و با دوستانشان به گفت‌وگو نشستند.

سپس، با استفاده از همین زمینه‌سازی ذهنی، مجموعه‌ای از تصویرهای ناقص و نامشخص به آن‌ها نشان داده شد؛ تصویرهایی که در نگاه اول معنا یا شکل واضحی نداشتند. از آن‌ها خواستم تا با دقت به این تصویرها نگاه کنند و از هر زاویه‌ای که مایل‌اند، بدون هیچ محدودیتی شکل‌هایی را که می‌بینند، با طراحی و نقاشی کامل کنند. تأکید شد که در این فعالیت هیچ پاسخ درست یا غلطی وجود ندارد و هر دیدگاه شخصی ارزشمند و محترم است.

هدف اصلی این فعالیت، پیوند میان مهارت خواندن تصویر، تفسیر آزاد و بازی خلاقانه با خطوط و اشکال بود. دانش‌آموزان با نگاه شخصی و متفاوت به هر تصویر، توانستند جهان ذهنی خود را به نمایش بگذارند. نتیجه این فعالیت شگفت‌انگیز بود. هر کودک دنیای ذهنی خودش را روی کاغذ آورد؛ یکی تصویر را به شکل خرچنگ دید، دیگری یک هواپیما، یکی دیگر آن را تبدیل به شاهزاده‌ای فضایی کرد و برخی هم داستان‌هایی را برای تصویر خلق کردند. کلاس تبدیل به صحنه‌ای از نمایش تخیل‌های رنگارنگ و متنوع شد. در پایان، هر دانش‌آموز نقاشی‌اش را معرفی کرد و درباره‌اش توضیح داد.